

سخن هفته

چگونگی بازسازی انقلابی مدیریت اجرایی کشور

تحول مستمر

«هفتستان را متمرکز کنید بر اینکه یک بازسازی انقلابی و البته عقلانی و فکورانه در همه عرصه های مدیریتی ان شاء الله به وجود بیاید.»

● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ این بخش از بیانات رهبر انقلاب اسلامی در نخستین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، در واقع طرح یک سرفصل و جهت گیری اساسی برای دولت جدید، کارگزاران قوه ی مجریه و مجموعه ی دستگاه دولت بود. در واقع حضرت آیت الله خامنه ای «بازسازی انقلابی مدیریت اجرایی کشور» را به عنوان یک مطالبه ی کلان از دولت سیزدهم مطرح ساختند، اما بازسازی انقلابی مدیریت به چه معناست و چگونه قابل اجراست؟

تحریک انقلابی بر مدار شاخص ها

«بازسازی انقلابی عرصه های مدیریتی» یعنی حرکت بر روی ریل انقلاب، در بخشهای مختلف مدیریتی ای که در کشور هست. در همه ی بخشها؛ بخشهای اقتصادی، بخشهای سازندگی، بخشهای مربوط به سیاست خارجی و دیپلماسی، بخشهای خدمت رسانی به مردم، بخشهای علمی و فرهنگی و غیره؛ در همه ی این بخشها یک تحریک انقلابی باید به وجود بیاید. ● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ در این تعریف آنچه که محوریت دارد «انقلابی» بودن دستگاه مدیریت اجرایی کشور و برخورداری آنان از عنصر «تحریک انقلابی» است. بر این اساس، برای فهم صحیح و دقیق موضوع باید انقلابی بودن و حرکت بر روی ریل انقلاب را مورد توجه و کنکاش قرار داد.

از منظر رهبر انقلاب «انقلابیگری یعنی عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن.» ● ۱۳۹۵/۴/۹ او از سوی دیگر «انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم.» ● ۱۳۶۸/۵/۳۱ ادامه در صفحه ۳

بررسی میراث بیست سال حضور
آمریکا و غرب گرایان در وضعیت امروز افغانستان

به نام آزادی به کام استعمار

۲



دولت جوان حزب اللهی | ۴

ضرورت انجام وظایف دولت با اقتدار، انسجام و اشراف

به رسم آیه ها | ۳

هدف از بعثت انبیا (ع) تحقق جامعه عدالت محور است

شهید هفته

آرمان شهدا در میان مردم امتداد خواهد داشت

این شماره تقدیم می شود به روح مطهر شهید مدافع حرم جهانپور شریفی

خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان آرمانهای او و آرزوهای اوست، از میان مردم رخت بر نخواهد بست؛ این خاصیت شهادت است. آن کسانی که این حقیقت را از بن دندان درک کرده اند... برای آنها کشته شدن در راه خدا به هیچ وجه ضایعه به حساب نمی آید؛ بلکه آن را می خواهند، آن را از خدا می طلبند؛ آن را مثل یک حاجت بزرگ، در ذکر و مناجات خودشان با خدا مطرح میکنند. ● ۱۳۸۹/۰۴/۰۷



بررسی میراث بیست سال حضور آمریکا و غرب گرایان در وضعیت امروز افغانستان

به نام آزادی؛ به کام استعمار

در افغانستان سر کار آمده‌اند. دولتها می‌آیند و می‌روند، آن که باقی میماند ملت افغانستان است؛ ما طرفدار ملت افغانستان هستیم. نوع رابطه‌ی ما با دولتها هم به نوع رابطه‌ی آنها با ما بستگی دارد. و امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال خیر مقدر بفرماید برای مردم افغان و آنها را از این وضعیت نجات بدهد و ان شاء الله وضعیتشان را به بهترین وجهی قرار بدهد و تفصّلات خودش را بر آنها نازل کند و بر ما ان شاء الله. ● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

این نگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای در مورد مردم افغانستان مسبوق به سابقه است. جمهوری اسلامی سالها میزبان چندین میلیون نفر از مهاجران افغانستانی بوده و مقصد نخست بخش قابل توجهی از مردم مهاجر این کشور است.

به طور مشخص هم ۶ سال قبل در سال ۱۳۹۴ دستور مشخص رهبر انقلاب مبنی بر آنکه هیچ کودک افغانستانی در ایران نباید از تحصیل بازماند باب جدیدی در نگاه ایشان در برادری دو ملت باز کرد. در این نگاه، مردم افغانستان فارغ از اینکه چه دولتی بر مسند امر قرار گیرد، محور و اولویت اصلی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و نسبت جمهوری اسلامی با دولت‌های متعدد در افغانستان از گذشته تاکنون و حتی در آینده بر حسب نوع تعاملی است که آنها در پیش خواهند گرفت.

همه اینها اما چیزی از مسئولیت روشنفکران و سیاستمداران افغان کم نمی‌کند. وضعیت دردآور امروز آینه تمام‌نمای ساختارهای بین‌المللی و اعتماد و اتکای به آن است. ساختارهایی که از ابتدای تاسیس خود از یک قرن قبل به بعد، تقدیری که در خدمت قدرت‌های بزرگ و استعمارگر و چرخاندن چرخ صنعت و اقتصاد و سیاست آنها بوده‌اند، نفعی برای دیگر مناطق جهان و به خصوص شرق نداشته‌اند. پوشاندن اسکلت استعماری قرن هفده و هیجده و نوزده استعمار با رنگ و لعاب‌های پرزرق و برق قرن بیست و یکمی، چیزی عوض نشده. استعمار همان استعمار است و ظلم و بهره‌کشی هم همان.

اعتماد و اتکا به چنین ساختار پرفریمی که به اقتضای زمان ممکن است یک ارتش خونریز باشد یا دایه مهربان‌تر از مادر، وضعیتی را به ارمغان خواهد آورد که امروز در افغانستان می‌بینیم. دردآورتر روشنفکران و سیاستمداران و روسای جمهوری که در جولان استعمار، مردم خود را تنها می‌کنند. بیراه هم نخواهد بود که در چنین وضعیتی فلان نیروی تحت امر آمریکایی‌ها، هنگام توزیع نان در میان مهاجران افغان که چند دهه رنج را روی دوش انداخته و دوباره از خاک وطن دل بریده‌اند، بی‌حرمتی کند و در پاسخ به اعتراض آن افغان، متکبرانانه پاسخ دهد: «تو اینجا یک مهاجر هستی؛ حرف زن!»

ظلمی که به مردم افغان شده شریکند. روشنفکران و سیاستمداران و دولت متمایل به آمریکا به جای بستن کمر همت برای خدمت به مردم خود و جبران عقب‌ماندگی تاریخی این مردم نجیب که میراث شوم شرق و غرب است، اولویت نخست خود را کاشتن تخم بدبینی به دیگر همسایگان تعریف کردند. پروژه‌ای که دم خروس سفارشی بودن آن از سوی اجانب آمریکایی و انگلیسی و غربی آنقدر بیرون زد که نیازی به شرح و توضیح اضافه ندارد.

دولت و ساختاری که رئیس جمهورش ماموریت نخست خود را خوشایند آمریکایی‌ها تعریف کرده بود، چنان سریع و تحقیرآمیز مجبور به فرار شد که به قول خودش حتی نتوانست کفش‌ها و لباس‌هایش را با خود همراه ببرد. آمریکایی‌ها که پیشتر حتی غارها و کوه‌های افغانستان هم از شر جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها و پهپادهایشان در امان نبود، حالا افغانستان را به همان‌هایی واگذار کردند که ۲۰ سال قبل به نیت جنگ با آنها راهی این سوی کره زمین شده بودند.

مردم افغانستان نشان داده‌اند هر گاه کسی نیت خالصانه برای دفاع از شرافت و آزادی داشته و صادقانه با آنها همراه باشد او را همراهی می‌کنند. مردم نجیبی که اگر سیاستمداران و روشنفکران افغان دست یاری به سوی آنها دراز کرده بودند بعید نبود که حماسه اخراج ارتش اشغالگر سرخ را این مرتبه با ارتش آمریکایی تکرار کنند اما اینگونه نشد و رئیس‌جمهوری که قرار بود بلاگردان مردمش باشد هم مخفیانه و سریع، سوار هواپیما شد و گریخت. این وسط دوباره مردم رنج‌دیده و زخمی افغانستان ماندند در میان کوهی از درد و رنج و تنهادر میان طوفان حوادث، بدون یار و همراه.

شاهد اصلی سلحشوری مردم نجیب افغانستان، تاریخ است. حماسه‌هایی از جنس دفاع مقدس و نبرد با ارتش بعث و صدام تا همراهی حماسی با سایر مجاهدان محور مقاومت در مبارزه با داعش و تروریست‌های تکفیری در عراق و سوریه. همراهی پررنگی که حاصلش تربیت فرماندهان برجسته مبارزات ضدتروریستی در غرب آسیا و البته تقدیم شهدای والا مقام در راه دفاع از آرمان‌هاست.

رشته‌های قرن‌ها هم‌زبانی و هم‌فرهنگی و هم‌دینی چیزی نیست که به این سادگی بشود آن را گسست. به تعبیر آن نویسنده مرحوم افغانستانی - محمد سرور رجبی - افغانستان قرن‌هاست با ایران خون شریک است؛ هر چند خطوط سیاسی و بین‌المللی استعمارگرانه قرن نوزدهمی بین این دو فاصله انداخته باشد. موضوعی که در بیانات اخیر رهبر انقلاب هم به چشم می‌خورد: «به هر حال در مورد افغانستان ما طرفدار ملت افغانیم؛ دولتها می‌آیند و می‌روند؛ انواع و اقسام دولتها در این سالها

«عملیات ماندگار و بلندمدت آزادی»... از آن سوی کره خاکی لشکرکشی کرده بودند تا به زعم خودشان با کندن ریشه تروریسم، آزادی و دموکراسی و مدنیت را برای میلیون‌ها نفر از مردم افغانستان به ارمغان بیاورند. حالا ۲۰ سال از آن روز می‌گذرد. ارتشی که قرار بود دموکراسی و آزادی مدنی را برای افغانستانی‌ها به ارمغان بیاورد، مشغول جمع کردن بساطی است که از پاییز ۱۳۸۰ در این کشور گسترده بود. نام عملیات، آزادی بود اما واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد؛

«بیست سال آمدند افغانستان را اشغال کردند و در این بیست سال انواع و اقسام ظلم‌ها را به افغانها کردند؛ مجلس عزایشان را، مجلس عروسی‌شان را بمباران کردند، جوانهایشان را کشتند، عناصر فراوانی از اینها را بی‌جهت به زندانهای گوناگون انداختند، ده‌ها برابر - چنده برابر - تولید مواد مخدر را در افغانستان افزایش دادند؛ این کارها را کردند، یک قدم هم برای پیشرفت افغانستان برنداشتند؛ یعنی افغانستان امروز از لحاظ پیشرفتهای مدنی و پیشرفتهای عمرانی و مانند اینها از آن زمان اگر عقب‌تر نباشد جلوتر نیست.»

● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

حالا ۲۰ سال از آن روز گذشته. مرور میراث به جای مانده ی آمریکا، عبرت انگیز است. ۲۰ سال بعد از شروع عملیات بلندمدت آزادی، ده‌ها هزار کشته روی دست این ملت مانده است. این خون‌ها اما نه بهای آزادی و مردم‌سالاری شده‌اند و نه ارتقای شاخص‌های عمومی زندگی. خون‌هایی که به بهانه‌ی ارمغان آوردن دموکراسی آنهم به ضرب شلیک موشک و فرود بمب روی خاک افغانستان ریخته شد؛ اما حالا ورق‌های تقویم برگشته به همان وضعیتی که ۲۰ سال قبل حاکم بود. گویی عمر و زندگی و زمان و حتی خون آدم‌ها در شرق این کره خاکی به اندازه هم نوع‌های غربی‌شان اهمیتی ندارد؛ اصلاً همه چیز ملعبه‌ای است برای سیاست جهان‌گستری نظامی و میلیتاریستی غرب.

مرحوم جلال آل احمد روزی در نقد و طعنه به غرب‌گرایان و حامیان جهان‌سومی‌شان گفته بود صدر تاریخی که تمام هستی و هویت خود را به غرب گره زده باشد، ذیل تاریخ غرب است. حالا در قرن بیست و یکم و در عصر به زعم برخی مدعیان، آزادی و جریان آزاد اطلاعات و عملیات‌های ماندگار و بلندمدت آزادی هنوز هم شرق، حاشیه و ذیل تمدن غرب است اگر نتواند یا نخواهد روی پای خویش بایستد. وضعیت امروز افغانستان نماد تام و کامل این مفهوم است. نه در لشکرکشی به افغانستان، منافع مردم افغان اهمیت داشت و نه دلیل خروج نظامیان آمریکایی، منافع این ملت خسته و زخم‌خورده بود. در این میان هم آمریکا فقط متهم اصلی نیست، بلکه غرب‌گرایان همسایه هم در

هدف از بعثت انبیا

تحقق جامعه عدالت محور است

اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه‌ی عدل است، کما اینکه اساس همه‌ی ادیان بر اقامه‌ی عدل است. خدای متعال میفرماید که ما پیغمبران را فرستادیم، کتابهای آسمانی را فرستادیم، لَیْقَوْمَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ؛^(۱) اصلاً برای اینکه مردم قیام به قسط کنند و جامعه، جامعه‌ی عدالت‌آمیز باشد. خب ما در این زمینه‌ها عقبیم، خیلی باید کار کنیم، خیلی باید تلاش کنیم. هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم میکنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر میکنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد؛ باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند، طبقات مظلوم را پایمال نکنند. بایستی مراقبت بشود، باید کاری کنیم که فاصله‌ی طبقات محروم با طبقات برخوردار کم بشود؛ یعنی هر چه ممکن است امکانات کشور عادلانه توزیع بشود. مسئله‌ی فسادستیزی هم مکمل عدالت‌ورزی است. با فساد باید مقابله کرد. ● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ - ۱ - سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵

درس اخلاق

مراقبت برای انسان جاده نجات اوست

غفلت است که ما را در بلامی اندازد. اگر مراقب چشم و زبان و دست و امضاء و قضاوت و نوشتن و حرف زدنمان باشیم، بسیاری از خطاها و گناهان بزرگ و کوچک از ما سر نمی‌زنند. اگر مراقب دلی خود باشیم، دچار حسد، بدخواهی، بددلی، کینه، بخل، ترسهای بیمورد، طمع به مال و منال دنیا و طمع به ناموس و مال دیگران در دل ما رسوخ نمیکند. این مراقبت در انسان، جاده‌ی نجات است. عاقبت نیک، در سایه‌ی این مراقبت به دست می‌آید. ● ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

خطبه‌های انقلاب

از ملت افغانستان حمایت می‌کنیم

زورگوها و قلدرهای دنیا... خشمگین میشوند که چرا حکومت اسلامی در ایران طرفدار مظلومان فلسطین یا طرفدار ملت افغانستان است... ما هیچ دخالتی در کارهای افغانستان نمیکنیم - که چه کسی بیاید، چه کسی نیاید؛ چه کسی در رأس کار باشد، چه کسی نباشد - اما از ملت افغانستان حمایت میکنیم؛ همچنان که در... گذشته، دولت و ملت ایران هر چه توانسته‌اند، انصافاً در قبال مردم مسلمان افغانستان کوتاهی نکرده‌اند... افغانها - چه مردم افغانستان در داخل کشورشان، چه آنهایی که در این جا بودند - از سوی دولت و ملت ایران مورد حمایت قرار میگرفتند. ما مردم افغانستان را حمایت میکنیم. ● ۱۳۸۰/۰۹/۱۶

مختلف، مدیریت جهادی را دنبال میکنند. مدیریت جهادی به معنای بی‌انضباطی نیست؛ پرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب‌روزی نشناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است. ● ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

■ **مدیریت انقلابی در مسیر جهتگیری‌های امام** ●
تحقق این مطالبه‌ی مهم اما نیازمند دو مسئله‌ی مهم است. اول اینکه «جهتگیری را باید درست انتخاب کنیم؛ چنانچه جهتگیری را غلط انتخاب کردیم، در انتخاب جهتگیری اشتباه کردیم، تلاش مضاعف مانده فقط مارا به نتیجه‌نمیرساند، بلکه مارا از راه دور میکند... وصیت‌نامه‌ی امام که یک مجمل و موجزی است از جهتگیری‌های امام، دم دست همه است. این قطب‌نما است، این شاخص اصلی است. بنابراین جهتگیری‌ها مشخص است... اولین کار هر مدیری در هر بخشی این است که جهتگیری درست را در نظر بگیرد. ● ۱۳۹۲/۰۴/۳۰ و نکته‌ی کلیدی دوم که مخاطب اصلی آن وزرا و مدیران ارشد قوه‌ی مجریه هستند این که «در محیط وزارتخانه، آن حزب‌اللهی را غالب کنید، با همان بار معنایی که کلمه «حزب‌اللهی» دارد، باید آدمهای متدین بر سر نوشت تشکیلات حاکم باشند... آنهایی که تعیین کننده‌اند، راه را مشخص میکنند و بخصوص، در سطوح بالای مدیریت و نیز کارشناسی‌هایی که خط دهنده هستند، باید افرادی باشند با روحیه انقلابی و اسلامی عمیق. ● ۱۳۷۲/۰۶/۰۳

انقلابی مستمر و تحول دائمی

«بعضی خیال میکنند انقلاب فقط سال ۵۷ بود و تمام شد؛ این خطا است. انقلاب در سال ۵۷ شروع شد، نه اینکه تمام شد؛ آغاز تغییر، آغاز حرکت اصلاحی در جامعه در سال ۵۷ اتفاق افتاد، در بیست و دوم بهمن اتفاق افتاد و آنجا شروع شد؛ بتدریج این حرکت باید عمیق‌تر، وسیع‌تر، گسترده‌تر، خردمندانه‌تر ادامه پیدا کند، نه اینکه متوقف بشود. ● ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ نکته‌ی مهم در این بحث این است که بدانیم «انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیورت - یعنی حالی به حالی شدن، تحوّل - اصلاً هیچ وقت تمام نمیشود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است... جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحوّل دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد والا جمهوری اسلامی نیست؛ حکومت اسلامی نیست. ● ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

پایان اینکه بدون جهت‌گیری و حرکت انقلابی مستمر نمی‌توان انقلاب و دستاوردهای آن را حفظ کرد و (اگر می‌خواهیم مشکلات این کشور حل بشود، اگر می‌خواهیم این کشور عزّت پیدا کند، رفاه پیدا کند، کشوری بشود که از لحاظ پیشرفت‌های مادی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی الگو بشود، باید راه انقلاب را ادامه بدهیم؛ انقلاب، راه علاج منحصر این کشور بود و هست و در آینده هم خواهد بود. ● ۱۳۹۵/۸/۲۶

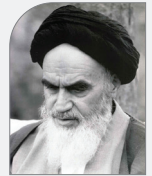
ادامه از صفحه ۱

در این زمینه «پایبندی» به «شاخص‌های انقلابی بودن» و «مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب»، شاخص اول است، «شاخص دوم، هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها... شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او... و شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است. ● ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

در این نگاه، انقلابی‌گری علاوه بر تدبیر، با عناصری چون «انضباط» و «عقلانیت» پیوند خورده است؛ یعنی یک فرد انقلابی «دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدبیر، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند» ● ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ است. «عقلانیت واقعی هم در انقلابی‌گری است. نگاه انقلابی است که میتواند حقایق را به ما نشان بدهد... عقلانیت معنایش این است که انسان اصالتاً را بشناسد؛ عقلانیت، تکیه‌ی به مردم است؛ عقلانیت، تکیه‌ی به نیروی داخلی است؛ عقلانیت، تکیه و توکل به خدای بزرگ است. عقلانیت اینها است؛ عقلانیت در این نیست که انسان خود را بعد از زها شدن از چنبره‌ی قدرت آمریکا و استکبار، مجدداً نژاد یک به آنها بکند. اینها عقلانیت نیست؛ عقلانیت را امام داشت؛ عقلانیت را انقلاب به ما میگوید. ● ۱۳۹۶/۰۳/۱۴ البته «شیوه‌ی صحیح جمهوری اسلامی نیز از اول کار تا امروز این بوده که حرکت انقلابی با حرکت اندیشه‌ورزانه و عقلانی همراه باشد. ● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

رفتار انقلابی و مدیریت جهادی

اما حرکت بربر انقلاب و انقلابی عمل کردن در عرصه‌ی مدیریت کشور نیازمند روحیه انقلابی و عزم و اراده مستحکم است؛ روحیه‌ی انقلابی «معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست شکنی میکند، گره‌گشایی میکند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت میکند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است. ● ۱۳۹۵/۰۸/۱۲ در حقیقت فرد دارای روحیه و عمل انقلابی «بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) «اللّٰهُ جُمَّمٌ مَّتَكٌ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند. ● ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ به شکل خلاصه «رفتار انقلابی [یعنی] حرکت جهادی... مدیریت جهادی» ● ۱۳۹۷/۰۳/۳۰ و برای عملی شدن این بازسازی انقلابی در عرصه‌ی مدیریت اجرایی کشور «باید مدیریت جهادی را بر دیوان سالاری‌های فرسوده ترجیح بدهیم؛ این یکی از اولویتهای ما است؛ اصرار بر مدیریت جهادی، مسئولین کشور... در بخشهای



هنگام ریاست و قدرت بیشتر تواضع کنید

قدرت در دست ظالم، دنیا را به فساد می کشاند و اگر چنانچه در رتبه های پایین هم بیایم قدرت در دست یک نفر انسان، در همان محیطی که قدرت دارد آنجا را به فساد می کشاند. قدرت وقتی کمال است و می تواند که کمال خودش را بروز بدهد که در دست دانشمند باشد، در دست عاقل باشد، ممکن است که یک جوانی خیلی مذهب هم باشد، خیلی هم خوب باشد، لکن بتدریج برسد به اینکه یک وقت ظالم بشود. وقتی قدرت دست تان آمد بیشتر مواظب باشید که مواضع بشوید. وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که مواضع باشید، برای اینکه اگر سستی کنید، در این قدرت روحی از شیطان زمین می خورید. ● ۱۳۶۲/۸/۱۵

با افتخار ایرانی

برای رونق تولید با قاچاق مبارزه کنیم

پدیده ی قاچاق و قاچاق فروشی، ضربه به اقتصاد و هویت ملی کشور و همه ی برنامه ریزی هاست. این از لحاظ شرعی، یک عمل ممنوع و حرام قطعی است؛ چون موجب افساد است. جای مقابله با فساد قاچاق، فقط مرزها نیست. جنس قاچاق را باید دنبال کرد، تا آنجایی که در معرض فروش قرار داده می شود. جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود می کند. بخش بازرگانی و بخش تولید و صنعت می توانند به هم کمک کنند. بازرگانی کشور می تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد. ● ۱۳۸۰/۰۴/۱۰

احکام

حکم دریافت پول بیشتر از مقدار قرض

سؤال: به یکی از دوستانم پولی قرض دادم و ایشان پس از چند ماه که قرض خود را برگرداند، مبلغی هم به عنوان هدیه به من دادند و پیشنهاد این کار و مبلغ هم از خودش بود آیا دریافت مبلغ اضافه را محسوب می شود؟
جواب: اگر بر اساس پیشنهاد قرض گیرنده مبنی بر اهداء مبلغی هدیه، قرض داده باشید، دریافت مبلغ بیش از مقدار تورم جایز نیست. هر چند شما شرط نکرده باشید، اما در صورتی که بدون شرط یا قرار قبلی، قرض گیرنده مبلغی اضافه پرداخت کند، اشکال ندارد، هر چند دریافت آن مکروه است.

آمریکا مشوق جنایت علیه مردم در قیام های دینی است

یک کلمه حرف جدی علیه او صادر نمیشد؛ هیچ کاری نمیکردند! اینها با کشتار انسانهایی که در راه اهداف دینی قیام و حرکت کرده اند، مخالفتی ندارند؛ مشوق این گونه کشتارها نیز هستند! این، به خاطر چیست؟ به خاطر عمق دشمنی آنها با دین و بخصوص با اسلام است. ● ۱۳۷۰/۲/۱۱

عکس نوشت



حضور آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت در هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، دهم تا پانزدهم شهریورماه ۱۳۶۵ در شهر هرازه زیمبابوه

درس اسلام ایستادگی در برابر سلطه گران جهانی است

فرهنگ سلطه، ملت های ضعیف را ذلت پذیر و معتاد به ستم ساخته است. باید از درون ذاتشان آنان را درمان کرد. باید باوری عمیق به کرامت و قدرت انسان به خدا، به ارزشهای انسانی راستین، به پوچی قدرتهای طاغوتی، در انسانها دمید و آنان را با این سلاح کندی ناپذیر، مسلح کرد. اسلام و همه ی ادیان آسمانی، انسان را به چنین ایمانی و کاملاً در جهت عکس فرهنگ سلطه سوق میدهند. متون خدشه ناپذیر اسلامی صریحاً دستور میدهد «لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» نه ظلم کنید و نه مظلوم شوید و می آموزند که ستمگری و ستم پذیری در یک ردیفند و ستمگر و ستم پذیر، شرکای جرم یکدیگرند. تماشاچی ظلم بودن و بی تفاوت ماندن نیز همانند ظلم و خود، مرحله ای از آن است. تکیه به قدرت لایزال الهی و ایمان راسخ به مردم، درس دیگر اسلام به ملتها و رهبران است، که آنان را به ایستادگی در برابر سلطه های جهانی تشجیع میکند و امید موقّعت را در آنان پرفروغ میسازد. ● ۱۳۶۵/۶/۱۴

دولت جوان حزب الهی

ضرورت انجام وظایف دولت با اقتدار، انسجام و اشراف

انسجام دولت و اقتدار دولت و اشراف دولت چیزهایی است که خیلی مهم است. انسجام دولتی یعنی از درون مجموعه ی دولت حرفهای مختلف درنیاید؛ یکی یک چیزی بگوید، یکی برود خلاف آن را بگوید؛ خب این ذهنیت مردم و افکار عمومی را بگلی خراب میکند؛ این باید یک حالت انسجام [داشته باشد]، وانگهی در عمل هم با همدیگر انسجام داشته باشند. ... اقتدار هم لازم است؛ دولت بایستی نشان بدهد که میتواند آن کاری که اراده کرده و تصمیم گیری کرده آن را انجام بدهد و پیش برود این جوری نباشد که حالت رهاسدگی احساس بشود. اگر چنانچه شما اقتدار دولتی را در عمل نشان ندهید و حالت رهاسدگی در کشور مشاهده بشود، قطعاً سیاستهایتان پیش نخواهد رفت؛ این هم مهم است. اشراف هم یعنی از گوشه کناره های دولت مطلع باشید. دولت باید وظایفش را با اقتدار و با انسجام و اشراف انجام بدهد. ● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

خانواده ایرانی

همراهی همسر از بزرگترین عوامل موفقیت است

با فرزندان خود تعامل کنید. با همسران خود مهربانی و همکاری کنید. حقیقتاً همسر شما باید احساس کند که شما قدر زحمات او را میدانید. ● ۸۰/۷/۲۷
اگر همسر شما یک همسر همراه و موافق با شما نمی بود، شما قادر به کار نبودید. میگوئید نه، امتحان کنیم؛ به این خانم ها بگوئیم یک روز با شماها بد اخلاقی کنند تا بفهمید وضعیت چطوری است. اینکه می سازند، همراهی می کنند، کمک می کنند، خوش اخلاقی می کنند، خانه داری می کنند، بچه ها را نگه می دارند و محیط خانه را با صفا نگه میدارند؛ یکی از بزرگترین عوامل موفقیت کار شماست. ● ۸۳/۷/۲۰